

(شاید به همین دلیل است که بعد از گذشت نیم قرن از فعالیت هنری همایون پور کسی نتوانسته از سبک خوانندگی او تقلید کند. به زعم نگارنده اجرای تمام و کمال سبک او غیرقابل تقلید به نظر می‌رسد!) این ویژگی شخصیتی همایون پور، از طرفی ما را با پارادوکسی بزرگ در کلاف زندگی در دنیای جدید روبه‌رو می‌کند. او تأکید زیادی بر حفظ فردیت خود و دیگران داشت، اما در عین حال رسواکننده نظریه پردازانی بود که معتقد بودند و هستند که دنیای مدرن میدانی برای تشخیص افراد و برجسته شدن فردیت در آنهاست. حال آن‌که می‌بینیم در زمانه‌ای که هر کسی می‌کوشد با

همایون پور با شهود بی نظیر خود ناگاهان الاغی را که در آن حوالی مشغول سد جوع بود؛ مورد خطاب قرار داد و جملاتی را با این مضمون بیان کرد: «درد بر تو موجود نازنین که در مقام خیریت خود مرتکب هیچ کوتاهی و قصوری نمی‌شوی! اگر فرصتی پیدا کنی به زندگی خودت می‌رسی، در حالی که به همه ابناء بشر هم منفعت می‌رسانی! الاغ جان، چه خوب بود اگر ما آدم‌ها هم به مقیاس شعور و دانایی خود زیرکی و تیزهوشی تو را می‌داشتیم! تو فرزند زمان خویش خویشتی! حال آن‌که ما می‌پنداریم و مَصْر هستیم که زمانه را می‌شناسیم و ضرورت‌های آن را دریافته‌ایم!»

است. بزرگمردی که در جایی دیگر چنین سروده است: «غلام همت آنم که زیر چرخ کیود / ز هرچه رنگ تعلق بپذیرد آزاد است» و همایون پور در طی سال‌ها تلمذ در محضر حافظ، در حیطه کار هنری خویش - آواز- این شیوه تفکر و زیست را برای آیندگان به یادگار گذاشته است. او هنرمندی سستی بود که تفکری امروزی داشت!

علی شیرازی

گفت و گو با علی اکبر مرادی نوازنده تنبور سیقی درونگرا، نه غمگین



از این بابت ذهن جنبه آن را دارد و ما برای رشد می‌کنیم. نه در خانواده و نه در اجتماع نمی‌کنیم. ابتدا چیزهای سطحی و آبکی را بیشتر قبول می‌کنیم. اما بعد از آن به چیزهای عمیق‌تر می‌رویم. فقط آواز را می‌شنود. من خودم اگر چند ساعت آواز گوش بدهم موم مثلاً اگر پنج تصنیف گوش بدهم باید یک هم. ما فرزندانمان را به سوی موسیقی درست می‌فرستیم. بچه‌ها هم هیچ گناهی ندارند. می‌کنند یکی از دلایل دوری جوانان از موسیقی هوای غمگین آن باشد؟

نیوده است؟ - درونگرایی فرق می‌کند با غم. غم آن چیزی است که تو را وادار می‌کند که افسرده شوی ولی موسیقی که شما را به درون می‌کشاند این دیگر غمگین نیست، در واقع یک موسیقی است که انسان را به خودش و به درونش که در اصل ذات حق است، نزدیک می‌کند؛ این دیگر غم نیست چیز دیگری است که باید برایش لغت پیدا کرد. * در حالی که ساز تنبور از قدمت زیادی برخوردار است، اما با این وجود در گروه‌های مطرح کشور - جدا از گروه‌های برخاسته از زادگاهش - جایگاه اندکی دارد. علت این امر را در چه چیز جست وجو می‌کنید؟

- تنبور یک پرده بندی خاص دارد و نه اینکه چیزی به آن اضافه شود و یا از آن کم شود. مثلاً ربع پرده اضافه کنیم. اگر ما یک گروه موسیقی خاص داشته باشیم که تمام سازها در آن باشد، در آن صورت تنبور هم نقش خود را در آن خواهد داشت. البته کار می‌برد. اساتیدی چون آقایان لطفی، علیزاده، درویشی و دیگران همه کار کرده‌اند ولی خوب، یک دست هستند و یک دست هم صدا ندارد. باید هم به فکر زندگی شان باشند، هم به فکر موسیقی و هم به فکر خانواده‌شان، هم خوب کار کنند و هم شاگرد درس بدهند و هیچ کس هم حمایتی نکنند. اما در غرب تمام بزرگان هنر چه موسیقی، چه مجسمه‌سازی، تئاتر و ... همه تحت حمایت و احترام چندین ثروتمند هستند. با کمال احترام، عشق و افتخار آنها این است که فلان هنرمند را حمایت کرده‌اند، در اینجا چنین فرهنگی نیست.

* آیا ساز تنبور قابلیت این را دارد که همراه با سازهای غیر سنتی نواخته شود؟

- بستگی دارد که چی باشد. این ساز باید نقشی داشته باشد که به شخصیتش بخورد، باید شخصی که برای سازهای مختلف می‌نویسد، سازهای مختلف را بشناسد. به عنوان مثال نقشی که به نی می‌دهد نقش نی باشد. نقش تنبور نقش تنبور باشد. اگر با آگاهی صورت بگیرد، چرا، می‌شود.

* تاکنون کسی این کار را انجام داده ... ؟

- نه به آن صورت گسترده. من خودم با کمانچه انجام داده‌ام با کیوان کلهر و مردم هم می‌گویند بد نیست. * کمانچه هم از سازهای سنتی محسوب می‌شود با سازهای غربی مانند گیتار، پیانو و غیره؟

- اتفاقاً با پیانو می‌شود، به خاطر اینکه پیانو هم ربع پرده ندارد. ولی چی باید زد؟ باید هر نوازنده گروه کمی از هنر یکدیگر را بلد باشند.

* در حال حاضر جایگاه تنبور را نسبت به گذشته چگونه ارزیابی می‌کنید؟

- تنبور تا ۴۰-۳۰ سال پیش در جاهای دیگر نواخته نمی‌شد جز محل خودش یا خانقاه. تقریباً ۳۰ الی ۴۰ سال است که از این خلوت بیرون آمده و تاکنون هم خیلی پیشرفت کرده است. مثلاً فکر نمی‌کنم اگر ۴۰ سال پیش به یزد می‌رفتید، کسی از تنبور چیزی می‌دانست یا جاهای دیگر. اما اکنون این ساز از خلوت خود بیرون آمده و در این حرکت خیلی چیزهای خوب صورت گرفته و خیلی هم چیزهای بد. بعضی‌ها با تنبور آهنگی می‌زنند که به این مسئله نخورد و در شخصیت تنبور نباشد، این تنبور نیست و چیز دیگری است.

* بیشتر اجراهای شما در خارج از کشور بوده، دلیل این امر چیست؟

- در اجرای خارج از کشور چند مشکل پیش نمی‌آید. یک نفر تصمیم می‌گیرد که یک کار انجام نشود و این کار مسئولان هم نیست. باید برای اجرای کنسرت مجوز شعر و غیره بگیرید و بعد یکی آن را کنسل می‌کنند. آن طرف درآمدش هم بیشتر است و اگر سالی یکی دو بار باشند، برای یک سال می‌توانیم برنامه‌ریزی کنیم. ما هم باید زندگی کنیم و نگران خورد و خوراک نباشیم.

* با توجه به تفاوت زبان و فرهنگ ما با کشورهای دیگر، برخورد آنان با این نوع موسیقی چگونه است؟

- دیگران هم موسیقی ما را درک می‌کنند. کنسرت بین‌المللی است، همه جور آدم می‌آید؛ از آسیای شرقی تا اروپایی هر نوع آدمی را می‌بینید. البته اول کنجکاو می‌شوند که بدانند این موسیقی چیست تا با آن آشنا شوند، اما در کل بیشتر افراد با دقت گوش می‌دهند و لذت هم می‌برند و خوششان می‌آید و برخی هم که متوجه نمی‌شوند، حداقل خوشحال هستند چیزی را دیده‌اند که قبلاً ندیده‌اند.

* کار جدید برای ارائه به بازار دارید؟

- در حال آماده کردن یک کار کردی هستم.

نگاهی به تازه‌ترین آلبوم گروه سل کاری شنیدنی

از گروهی کم ادعا

گروه سل از معدود گروه‌های موسیقی است که به شکلی پیوسته و مداوم در زمینه موسیقی کلاسیک فعالیت می‌کند.

از ویژگی‌های برجسته و بارز این گروه انتشار فعالیت‌های خود در قالب سی دی و آلبوم است که نشان می‌دهد، این مجموعه به تمامی وجوه کار خویش واقفند و سعی دارند به شکلی جدی و منظم مراحل مختلف کار از دادن کنسرت، تمرینات فشرده و نیز کنسرت‌های خارج از کشور را در برنامه کاری خود داشته باشند.

بهمن مه آبادی که سرپرستی این گروه را بر عهده دارد، از جمله نوازندگان با دانش ارکستر سمفونیک تهران است که چه در عرصه عمل و چه در عرصه تئوری نوشته‌های فراوانی را از خود برجای نهاده و هنوز هم از جمله معدود موسیقی‌دانانی است که قلم روان و پخته‌ای در تحلیل موسیقی کلاسیک دارد.

مینیاتور تازه‌ترین آلبوم و سی دی این گروه است که به بازار موسیقی عرضه می‌شود.

پیش از این ۶ آلبوم دیگر این گروه نیز به بازار موسیقی عرضه شده بود. در مینیاتور سه نوازنده (بهمن مه آبادی، پوریا کشاورز، هومن اختری) ویلن می‌زنند و یک تن آنها (ناهید ابطحی) نیز گیتار کلاسیک. در این مجموعه آثاری از موزار، پاگانینی، سعید رستم‌اف، موریس راول، چایکوفسکی، پاکبیل، حاجی بی اف، مندلسون، احمد اف، آلبینونی، آرام خاچاطوریان، سرگئی پروکوفیف، و شش اثر از قارا قاریف، با نوازی شده است.

تنوع مناسب قطعات انتخابی در این مجموعه که در آن آثاری از چهره‌های شاخص موسیقی شرق و غرب آمده است، نشان از حسن انتخاب و نیز توجه به سلاقی مخاطبان مختلف دارد.

